



۲۰۱۷/۰۶/۰۳

حمید انوری

یک خبر خوش از عمق یک فاجعه و چند سخن دیگر...

در نبشته قبلی معنون به "از رگ رگ کابل خون جاریست"، از فاجعه وحشت برانگیز وزیر اکبر خان مینه کابل تذکراتی داده شد، فاجعه عظیمی که بیشتر از پنجد تن از هموطنان شریف ما را به خاک و خون کشانید و قیامت کبرا برپا نمود.

با درد و دریغ که تعداد جانباختگان این جنایت هولناک از ۹۰ نفر به یکصد و پنجاه (۱۵۰) نفر رسیده است، یعنی اینکه ۶۰ نفر دیگر از هموطنان مظلوم ما که در این فاجعه هولناک زخم برداشته بودند، در شفاخانه ها جان سپرده و به شهادت رسیده اند.

این یکصد و پنجاه انسان که خداوند به آنها جان بخشیده بود، "نماینده های خدا در زمین" جان های شانرا گرفتند و فریاد "الله واکبر" سر دادند و گویا به خداوند تفهیم کردند که ما بیشتر از تو میدانیم.

در آن نبشته قبلی عکس یک جوان رشید و با غیرت و شهامت افغان را هموطنان ما مشاهده کردند که در حالت خونین و زخم های عمیق، پیاده و با سر افراشته و قامت رسا راهی شفاخانه بود که نظر به گزارش خبرگزاری روسی "سپوتنیک"، درست در مقابل درب ورودی شفاخانه جان به جان آفرین تسلیم کرده است.

و اما یک خبر خوش از این فاجعه عظیم، این است که همین هموطن باشهامت و با همت و با غیرت ما خلاف گزارش "سپوتنیک"، از مرگ حتمی نجات یافته و خوشبختانه زنده است و بستری شفاخانه.

برای این هموطن شجاع و با همت خود و تمامی مجروحین آن فاجعه دردناک و هول انگیز، صحت عاجل و کامل آرزو میکنیم.

اینک عکس های این هموطن شریف و با همت خود را با هموطنان شریک می سازیم و آرزو میکنیم تا همه مجروحین به زودترین فرصت صحت کامل خود را باز یابند و عاملین دمنش این جنایت هولناک به زودترین فرصت به چنگال قانون گرفتار آیند، هرچند ما را عجب آید!



و اما چند سخن دیگر...

طالبان که خدا تخم شانرا از روی زمین بردارد، اعلان کردند که این عمل انتحاری و این فاجعه ضد بشری کار آنان نیست، مگر تروریستان خونریز و جنایتگستر و ددمنش داعشی (برادران ناسکه طالبان) مسولیت این فاجعه را به عهده گرفتند، و اما و مگر مقامات امنیت ملی در همان ساعات اولیه آن فاجعه غم انگیز و خونین مدعی شدند که فاجعه متذکره کار گروه حقانی در تبنای با مقامات سازمان جاسوسی پاکستان بوده است و وزارت خارجه پاکستان در عکس العمل با اظهارات متذکره مقامات کابل گفتند: "پاکستان نباید بخاطر ناکامی های افغانستان مسئول دانسته شود."

پاکستان تا اندازه ای درست میگوید، گفته مشهوری داریم که "مال خود را نگهدار و همسایه ات را دزد نگیر"، حکومت چهار دهه افغانستان را عادت بر این رفته است که هر ناکامی خود را به دوش دیگران میگذارند و از مسولیت پذیری فرار میکنند.

این داستان تراژیک دنباله دار را میگذاریم در همین جا و میرویم سراغ تظاهرات بزرگی که دیروز (۲۰۱۷/۰۶/۰۲) در کابل براه انداخته شد و مظاهره چپان فریاد" غنی- عبدالله - استعفی استعفی!" سر داده بودند. این تظاهرات بعداً به خشونت کشیده شد و حاصل آن چندین کشته و زخمی بود.

گفته می شود تظاهرات متذکره در قدم نخست کاملاً مستقلانه از طرف مردم و بازماندگان قربانیان چهار راهی زنبق- وزیر اکبر خان مینه، راه اندازی شده و کاملاً غیر سیاسی بوده است، اما چند فرد شناخته شده و گروه استفاده جو بعداً وارد معرکه گردیده و جهت تظاهرات را به نفع گروه های خود تغییر مسیر دادند و تلاش کردند تا از فرصت استفاده ناجائز نموده و آشوب برپا کنند که در نتیجه درگیری



بین مظاهره چپان و نیرو های امنیتی صورت گرفت و تعدادی دستگیر گردیده و تعدادی هم کشته و زخمی شدند.

در بین کشته شدگان پسر معاون اول مشرانو جرگه نیز شامل بود است "منابع به

آریانا نیوز میگویند، حاجی سالم ایزدیار، پسر محمد علم ایزدیار، معاون اول مجلس سنا که در جریان تظاهرات امروز در کابل زخم برداشته بود، در شفاخانه جان داد."

از جانب دیگر گزارش ها حاکی از آنست که "احمد ضیاء مسعود" هم به جمع معترضین پیوسته است.

طلوع نیوز گزارش میدهد: "احمد ضیاء مسعود، نماینده خاص پیشین رئیس جمهور در امور اصلاحات و حکومت داری خوب، نا وقت روز جمعه (۱۲ جوزا) به جمع معترضان پیوست و در نزدیکی شفاخانه ایمرجنسی کابل، همراه با دیگر معترضان خیمه تحصن بر پا کرد."

کاش او این کار را در زمانی انجام میداد که بی خیال بر توسن مراد چهار نعل می تاخت و بر زمین و زمان فخر می فروخت، اما اکنون و در این شرایط این عمل او به منزله خیمه بعد از عید است که مبارکش باد!

طلوع نیوز در ادامه گزارش متذکره علاوه میکند: "... بر بنیاد گزارش ها که مسؤلان شفاخانه ایمرجنسی نیز تأیید کرده اند، در این گلوله باری نیروهای اردوی ملی، ۵ تن از معترضان کشته شدند و ۱۵ تن دیگر آنان زخمی شدند."

احمد ضیاء مسعود قبلاً به اشرف غنی اخطار داده بود که در صدد سازمان دهی گسترده "مردمی" در مقابل حکومت است و اشرف غنی باید استعفی دهد و...

داکتر عبدالله هم چندی قبل از عضویت در کدر رهبری جمعیت اسلامی کنار گذاشته شد و خاموشانه نظاره گر اوضاع ماند، عطا محمد نور هم مثل همیشه سخنان ته و بالا قلقله کرد و چنگ و دندان نشان داد. با آمدن گلبدین حکمتیار مشهور به "قصاب کابل"، دشمن قسم خورده و آشتی ناپذیر جمعیت و شورای نظار آن، جمعیتی ها را تب لرزه مرگ فرا گرفت و در صدد جمع و جور ساختن خویش برآمدند و حزب چند پارچه وحدت اسلامی نیز از این قافله عقب نماند و بقیه ماجرا...

و اما پسر "محمد علم ایزدیار" در این گیر و دار چه مرگ می خواست؟ این محمد علم ایزدیار که گویا یار خداست، از همان جهادی های کهنه پیخ است و در این ماجرا دستی دارد از دور و به گمان اغلب پسر او به دستور پدر وظیفه داشته است تا تلاش کند این تظاهرات مسالمت آمیز را به آشوب بکشاند که کشاند و خود قربانی شد.

بعداً که چند ماجرا جو به شمول "احمدضیاء مسعود" و پیروانش، پسر علم ایزدیار و افرادش، عبداللطیف پدرام و باندش و چند زبردان گریختگی دیگر وارد ماجرا می شوند، شکل مسالمت آمیز تظاهرات تغییر جهت داده می شود، شعار های "مرگ بر اشرف غنی"؛ "مرگ بر عبدالله"، "مرگ بر امرالله صالح" و... سر داده می شود و تلاش می شود تا با خشونت مردم عام را وارد قصر ریاست جمهوری کنند و خود از آن آب که گل آلود کرده اند، ماهی مطلوب صید کنند.

لطیف پدرام پرچمی شناخته شده تلاش میکند تا به تظاهرات شکل سیاسی بدهد، اما نظر به ویدیو های متعدد در یوتیوب؛ معترضین مانع سخنرانی او می شوند و فریاد میکشند که "سیاسی نه، سیاسی نه!" حال به این عکس ها دقت کنید که چگونه می شود جهت برپائی یک مظاهره مسالمت آمیز، یک شبه چنین ترتیبات گرفت و اینهمه پول و ترتیبات با چنان سرعت از کجا آمد و کی ها در عقب آن قرار دارند؟



در عکس راست به وضاحت دیده می شود که پلنگی پوشان شورای نظاری بیرق جمعیت اسلامی را حمل میکنند و در کنار عکس اشرف غنی بر عکس عبدالله هم که از جمعیت اسلامی کنار گذاشته شده است خط بطلان کشیده اند.

در عکس چپ یک تعداد خواهران ما دیده می شوند که یک شعار طویل نقش شده در یک پارچه تکه را حمل میکنند و از دل خونین فریاد برآورده اند، سوال اینجاست که این شعار ها و این پلاکات ها یک شبه در آن

اوضاع و احوال نابسامان و غم انگیز و درد آور که بیشتر از پنجصد انسان در خون می تپیدند، چگونه با چنان سرعت آماده شد؟

در یکی از کلیپ های ویدیویی در یوتیوب چنین عنوان داده بودند "کاروان مصلح از پنجشیر وارد کابل شد با **مظاهره کننده گان**"، بعد این کاروان که یکشنبه از پنجشیر به کابل انتقال داده شده بودند، فریاد میزدند و نعره می کشیدند که مرگ بر اشرف غنی، مرگ بر عبدالله و مرگ بر امرالله صالح، در بین این جمع ناگاه سر و کله "احمد سعیدی" پیدا شد که با این کاروان همونوا شده بود. احمد سعیدی یکی از هوداران سرسخت "احمدشاه مسعود" است.

اکنون قبل از اینکه موضوع دنباله دار گردیده و بیش از این طولانی شود، هردو قضیه، یعنی فاجعه چهارراهی زنبق و تظاهرات روز بعد آنرا مختصر جمع بندی کرده و نتیجه را وامیگذاریم به هموطنان که خود توته های این معما را پهلوی هم قرار دهند و حل معما کنند.

تانکر مواد فاضله که گویا حامل مواد انفجاری قوی بوده است، مربوط به شرکت تجارتی "میرویس یاسینی" عضو پارلمان و یکی از جهادی ها بوده است.

این تانکر دارای اجازه نامه های خاص جهت گذشتن از موانع امنیتی بوده است و از شخص "میرویس یاسینی" اجازه نامه فوق العاده دریافت داشته است و از چندین مانع امنیتی عبور نموده است.

"کاروان مصلح" را چه کس یا کسانی آماده نموده و از پنجشیر به کابل انتقال داده اند؟

موجودیت افرادی چون "احمدضیاء مسعود"، "لطیف پدram"، "احمد سعیدی"، "پسر محمد علم ایزدیار" و چند رسوای دیگر در تظاهرات متذکره و تلاش برای ایجاد آشوب.

حضور پلنگی پوشان دستمال پوش و حمل پلاکات های بزرگ، شعار های چاپی طولانی و شعار ها بر ضد "داکتر عبدالله" و "امراالله صالح" که اعضای مهم حکومت موجوده بوده و از کدر رهبری "جمعیت اسلامی" کنار گذاشته شده اند.

و آخرین گزارشات نیز می‌رساند که در مراسم جنازه و فاتحه پسر "محمد علم ایزدیار"، "عبدالله عبدالله"، "امراالله صالح"، "صلاح الدین ربانی"، "فضل هادی مسلمیار"، "احمد ضیاء مسعود" و تعداد دیگری اشتراک ورزیده بودند، سه فرد انتحاری خود را منفجر کردند که در اثر آن حدود پنجاه نفر (۵۰) کشته و زخمی گردیدند، اما این جنابان هیچ کدام خراشی هم برنداشتند.

حال تمام توته های این معما(پزل) را از هرسه واقعه کنار هم گذارید و نتیجه گیری کنید که در فاجعه چهارراهی زنبق چه دستان کثیفی دخیل توانند بود.

